جایگاه عقلانیت در مدیریت فرهنگی از نگاه اسلام

احمد رضا خزایی[1]

چکیده

در این نوشته تلاش می کنیم تا ضمن تعریف عقل ،فرهنگ ، مدیریت فرهنگی و مدیریت ازدیدگاه اسلام،جایگاه عقل عملی در مدیریت فرهنگی را بررسی نماییم. سوال اصلی این است که نقش عقلانیت در مدیریت فرهنگی چیست؟پاسخ این است که عقل با توجه به موضوع اجتهاد و حجیت آن در عرض ادله استنباط احکام شرعی بوده و همچنین در فهم برخی از مصالح و مفاسد و ملاکات احکام و حسن و قبح ووجود ملازمه میان حکم شرع و عقل و تفسیر و تاویل متون، در مدیریت فرهنگی جامعه و مقابله با آسیب های اجتماعی و ...نقشی اساسی ایفا می کند .طبق نظر اکثر اندیشمندان اسلامی این اصل پذیرفته شده است که آیات و احادیث را می توان با محک عقل سنجید و اگر با عقل مخالفت داشته باشد، باید تأویل شوند. همچنین این مبنا که ظواهر دینی در برابر براهین عقلی، مقاومت ندارد مورد قبول همه متفکران اسلامی است. در پایان ویژگی‌های مدیر فرهنگی را از دیدگاه آیات کریمه مورد بررسی قرار داده‌ایم:

کلید واژه ها : قرآن ، عقل ، مدیریت فرهنگی ، فرهنگ

۱- استادیار علوم قرآن و حدیث دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی dr.khazaei46@yahoo.com

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-15]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1393.7.14.7.6]

مقدمه

جایگاه عقل در مدیریت فرهنگی و بررسی زمینه های بهره مندی از آن به این صورت است که از یک‌سو بشر امروز بر عقل مبتنی بر تجربه تکیه دارد و منبع دیگری را برای کسب معرفت نمی شناسد و از طرف دیگر مسلمانان عقیده دارند که خداوند بسیاری از معارف مورد نیاز بشر را در حوزه های مختلف از جمله اخلاق، فرهنگ، حقوق، سیاست و ... از طریق متون وحیانی اعم از قرآن و سنت در اختیار ما قرار داده و وظیفه ما در عصر حاضر استفاده از متون دینی برای غنای معارف بشری است. دانشمندان مسلمان که خود از زمان های گذشته در خصوص جایگاه عقل در فهم متون و حجت‌بودن آن به تأمل پرداخته‌اند، امروزه بیش از پیش بحث و گفتگو درباره جایگاه عقل در عرصه فرهنگ اسلامی را ضروری می‌دانند.

اداره یک جامعه الزامات و اقتضائات خاصی دارد که هر نظام و مکتب مدعی مدیریت اجتماع ناچار از پذیرش آن است. از جمله این الزامات تحول مداوم مسائل مربوط به اجتماع از جمله فرهنگ آن است. بنابراین نظام فکری‌ای که در پی مدیریت جامعه است باید بتواند تحولات و تغییرات را مدیریت کند یعنی باید بتواند این تغییرات را به نحوی جهت دهد که جامعهاز سلامت بالاتری برخوردارشود.

در این میان عقل و استناد به آن همواره در فرهنگ اسلام از اهمیت ویژه ای برخوردار بوده است و نزاع و اختلاف بر سر حجیت آن، قدرت درک حسن و قبح توسط آن و ... در اسلام دارای پیشینه ای دیرینه است. و بحث حجیت و عدم حجیت عقل و سایر مسائل مربوط به این حوزه زمانی شکل گرفت که به ظاهر برخی از احکام ناشی از عقل مخالف با احکام شرع که منبعی فراتر از عقل است، درآمد یا عده ای تصور کردند که با وجود دین و بیان احکام و مسائل توسط شارع دیگر نیازی به رجوع به عقل نیست و تلقی آنها این بود که شارع همه امور لازم زندگی را بیان کرده و دیگر نیازی به استفاده از عقل نیست .

سؤالات متعدی در این خصوص مطرح است از جمله اینکه اگر در خصوص موضوعی تحت شرایط خاصی آیه و روایتی صادر شده باشد آیا فقیه می تواند به جزء فهم اولیه و کلی آن روایت، نظر دیگری دهد مثلاً شرایط زمانی و مکانی، علت سؤال و ... را لحاظ نموده و با قطع نظر از روح شریعت به چیزی فراتر از ظاهر آن روایت حکم کند یا خیر؟ آیا می‌تواند بدون در نظر گرفتن آن شرایط به همان حکم در زمان و مکان و موقعیتی دیگر فتوا دهد؟ آیا فهم و برداشت های عقلی از نصوص دینی و قرآنی اعتبار دارد یا خیر ؟ این مسأله سال‌ها است که محل اختلاف نظریه‌پردازان جهان اسلام است و عقیده های مختلفی در این حوزه بوجود آمده است که مهم‌ترین آن مکاتب فکری عبارتند از اخباریون، اصولیون ، معتزله ، اشاعره ، حدیث گرایان و ... آیا مدیریت متحول فرهنگی –اجتماعی می تواند بدون استفاده از عقل به سرانجام مطلوب برسد و با ساختاری مناسب جامعه را به سعادت و عدالت راهبری کند؟ چون انسان همانند حیوان نیست که زندگی او بر اساس غریزه باشد و هیچ تحول و دگرگونی‌ای نداشته باشد بلکه زندگی فرهنگی–اجتماعی انسان چون زندگی او بر اساس عقل است همواره دستخوش تحول است و راز اشرف مخلوقات بودن انسان همین است، انسان فرزند بالغ و رشید طبیعت است. به مرحله ای رسیده است که دیگر نیازی به قیومیت و سرپرستی مستقیم طبیعت به اینکه نیروی مرموزی به نام غریزه او را هدایت کند –ندارد او با عقل زندگی می کند نه غریزه (مطهری ، ۱۱۵).

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-15]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1393.7.14.7.6]

مفهوم شناسی عقل :

الف ـ تعریف عقل در لغت

عقل در لغت به معنای ثبات در امور ، حبس و دیه است. قوه تمییزی است که انسان را از حیوان جدا می کند (ابن‌منظور،۴/ ۸۴۷) این کلمه در اصل از عقال به معنای ریسمانی که به‌وسیله آن زانوی شتر سرکش را می بندند و مهار می زنند، آمده است عقل قوه ای است در وجود آدمی که جلوی غرایز و امیال سرکش او را می گیرد و هوس های او را می بندد (ابن فارسی، ۲۲۸) در لغت نامه دهخدا نیز عقل چنین تعریف شده است: «خرد و اندیشه و دریافت صفت اشیاء از حسن و قبح و کمال و نقصان و خیر و شر یا علم به مطلق امور به سبب قولی که ممیز قبیح از حسن است یا به سبب معانی و علوم مجتمعه در ذهن که بدان اغراض و مصالح انجام‌پذیر است.»(دهخدا، ماده عقل). جوهری عقل را« حجر و نهی » معنا می کند (جوهری، ۵/ ۱۷۶۸).

ابن منظور می گوید: « العقل الحجر و النهی ضد الحمق» طبق دیدگاه این‌دو لغت‌دان معنای عقل، رشد و خرد می‌باشد در مقابل حماقت و ابلهی همان‌گونه که عده‌ای عقل را در برابر جهالت می‌دانند که براساس نظر این گروه عقل به‌معنای علم می‌باشد (فراهیدی، ترتیب کتاب العین، ۵۶۵).

لغت دانان عرب واژه عقل را هم‌چنین در معانی دیگری از قبیل «قلب »،« دیه » ، « تأمل در کارها » ، « تمییز » و استعدادی که با آن علم و آگاهی تحقق می یابد، به‌کار برده اند . (راغب اصفهانی، ۳۵۴).

احمدبن فارس بعد از اینکه معانی متعددی برای واژه عقل بیان می کند می گوید: « من ذلك : العقل و هو الحابس عن ذیع القول و الفعل» (ابن فارس، ۴/ ۶۹ و ۷۱)، عقل به معنای معروف نیز از این قبیل است چون که عقل با معنای اصطلاحی اش بازدارنده فرد عاقل از قول و فعل نکوهیده است و در واقع او را از گفتن قول و فعل نکوهیده حبس می کند.

با توجه تعریف های مختلف برخی از لغت دانان (غیبه، ۳۶) برای عقل چهار کار کرد بیان کرده‌اند .

۱- عقل مترادف بار شد و آن قدرتی بالفعل برای استنتاج از نتایج و دلالات صحیح است .

۲- وسیله ای است در انسان برای تفکر ، اراده ، ممارست فهم و داوری .

۳- درک و داوری صواب ، هماهنگ با منطق است .

۴- موهبتی برای درک متفاوت از احساس .

در این نوشتار مقصود از عقل همین معنای چهارم است .

ب - عقل در قرآن و روایات

خود لفظ عقل به عینه در قرآن به‌کارنرفته‌است ولی مشتقات آن حدود پنجاه بار در قرآن مجید استعمال شده است؛ البته در برخی موارد در آیات کریمه به جای واژه عقل از الفاظی شبیه حجر و نهی استفاده‌شده و صاحبان عقل و خرد را اولو النهی (آل عمران، ۳) و ذی حجر (الفجر، ۸۹) می‌خواند .

قرآن در موارد متعددی فواید و آثار گران‌بهای تعقل و فرجام ناپسند و ناکام عدم‌تعقل را بیان‌کرده‌است. مثلاً در سوره مائده تسلیم در برابر حق و ایمان به توحید نتیجه و عقل است و استکبار در مقابل حق و توحید نتیجه عدم‌تعقل

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-15]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1393.7.14.7.6]

است. البته ناگفته نماند قرآن صریحاً آن را ستوده است عقل به معنای مصدری است یعنی اندیشیدن و آنچه مزمت کرده عدم این عقل است بنابراین وقتی قرآن اندیشیدن و تعقل را می ستاید به طریق اولی نیرویی که این عمل پسندیده را انجام می دهد می پسندد .

در روایات ائمه اطهار(علیهم‌السلام) نیز عقل‌و کاربرد آن، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است تعداد روایات مربوط به عقل به‌اندازه‌ای زیاد است که عده‌ای از نویسندگان آن‌ها را غیرقابل‌شمارش دانسته‌اند.

پیامبر (ص) فرموده‌اند خداوند چیزی برتر از عقل میان بندگان تقسیم نکرده‌است (کلینی،۱/ ۱۴).

امام علی (ع) می فرمایند : «خدا با چیزی بهتر از عقل پرستش نشده است» .

شاید بهترین تعبیر درمورد عقل پاسخ امام صادق (ع)باشد در جواب شخصی که از ایشان پرسیدند: عقل چیست؟«عقل چیزی است که به وسیله آن خدا پرستیده شود وبهشت به دست آید. سائل می‌گوید گفتم آنچه معاویه داشت چه بود؟فرمود: نیرنگ وشیطنت بود. آن مانند عقل است ولی عقل نیست» (کلینی،۱/ ۱۶).

با دقت در روایات درمی‌یابیم هریک ازاحادیث اثری از آثار عقل را بیان نموده‌است علامه مجلسی بعداز اینکه روایات متعدد باب عقل وجهل رابیان می کند ومعانی واژه عقل را تبیین می کند خلاصه مفهوم روایات در خصوص عقل را چنین بیان می کند اخباری که در مورد عقل وارد شده است، در معنای اول قوه ای است که خیر وشر را درک وجدا می سازد وانسان را بر تشخیص اسباب وموانع امور خیر وشر توانا می سازد . ودوم حالتی نفسانی است که انسان را به گزینش خیر وسود ودوری جستن از شر بنابراین به نظر می رسد همگان در اطلاق عقل بر گوهری نفسانی که خیر وشر وحسن فعل خیر وقبح فعل شر را درک می‌کند اتفاق دارند.

مفهوم شناسی فرهنگ

هیچ یک از کتاب های لغت ودایرة المعارف ها تعریف خاص ومشخص در مورد مفهوم وماهیت فرهنگ ارایه نکرده اند .(جعفری، ۱۳۷۹). فرهنگ واژه ای فارسی است که پیشینه ای دور و دراز دارد این واژه مرکب از دو جزء «فر»«هنگ» است . فر به معنی «جلو» و بالا »، «بر»،«پیش» و....آمده‌است هنگ نیز از ریشه ی اوستایی «ثنگ»[1] به معنی «کشیدن»، «زور» «قدرت» و....گرفته شده است .بر این مبنا از نظر لغوی می توان واژه فرهنگ را کشیدن به سوی بالا »و«بیرون کشیدن » معنی نمود که تلویحاً سیر تکاملی ورستن ورستاندن از جهل وتاریکی را نیز می رساند .علاوه بر این در زبان فارسی فرهنگ به عنوان یک واژه بسیط نه ترکیبی رساننده‌ی مفهوم ادب، تربیت، معرفت،حکمت، هنر، عقل، دانش و بزرگی نیز بوده است .(نایینی،۱۳۸۹).

تنوع مفاهیم و وسعت معانی اصطلاح فرهنگ ، چنان بعد گسترده‌ای یافته است که دیگر نمی‌توان آنرا منحصراً به مفهوم ومعنای دانش وتربیت محدود دانست چنان که امروزه در تعاریف ارایه شده از فرهنگ، به معنای لغوی آن توجهی نمی شود وعمدتاً ابعاد جامعه شناسانه ،مردم‌شناسانه وروان‌شناسانه مورد توجه است. بر این اساس ،تعداد تعاریف فرهنگ ظاهراًبه دویست وسیصد وحتی بیشتر می‌رسد ومفاهیمی که هرروزه با پسوند وپیشوند فرهنگ نظیر: فرهنگ‌شهری ، فرهنگ‌روستایی، فرهنگ‌عشایری،فرهنگ‌ماشینی، هویت‌فرهنگی، بی‌فرهنگی و... به‌کار می‌روند هیچ کدام مغایر با تعاریف مطرح شده وبیرون وجدای از آن نیست (روح الامینی،۱۳۶۸).

[1] thanga

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-15]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1393.7.14.7.6]

تعریف ادوارد بی تایلور در کتاب «فرهنگ ابتدایی» در سال ۱۸۷۱ از فرهنگ یکی از شناخته شده‌ترین تعاریف است او فرهنگ را این‌گونه تعریف نموده است: «فرهنگ یا تمدن مجموعه پیچیده‌ای شامل معارف، معتقدات، هنرها، صنایع، فنون، اخلاق، قوانین، سنن وبالاخره عادات، رفتارها وضوابطی که فرد به عنوان عضوی از جامعه خود فرا می گیرد ودر برابر آن،جامعه وظایف وتعهداتی بر عهده دارد، می‌باشد.»

فرهنگ در میان همه جوامع به عنوان کیفیت یا شیوه ی بایسته وشایسته حیات بشری تعیین شده‌است. آنچه موجب بروز تعاریف مختلف و متعدد شده است تنوع دیدگاه محققان وصاحب‌نظران در تفسیر فرهنگ به اتفاق‌نظر در اصل تکامل آن بوده است این اختلاف چنان که خواهیم دید با گذشت زمان و بروز انواع پدیده ها و مورد توجه قرارگرفتن آن‌ها به عنوان کیفیت‌های شایسته حیات بوده و در برخی موارد معلول خصوصیت‌های محیطی و برداشت از جهان‌بینی بوده‌است.(جعفری،همانجا،۳).

آلفرد کرو بر در کتاب انسان شناسی خود فرهنگ را «انبوه واکنش های حرکتی، اکتسابی، فنون، اندیشه‌ها و ارزش‌ها و رفتار ناشی از آن‌ها تعریف کرده‌است واندیشه‌ها وارزش‌ها را هسته‌ی اصلی فرهنگ می‌داند (چلپی، ۱۳۷۸).

از دیدگاه اولسون فرهنگ مجموعه ای چهار جزئی است که این اجزاء عبارتند از باورها، ارزشها،هنجارها و فن آوری ها او بر این عقیده است که باورها به پرسش «چیستی» ارزشها به پرسش «چه باید باشد» هنجارها به پرسش «چه انجام می شود» وسر انجام فن آوری ها به پرسش «چگونه انجام شود » پاسخ می دهند.(همانجا).

فرهنگ از نظر شاین در سه سطح مطرح است : باورها ومفروضات که عمیق ترین سطح وهسته فرهنگ است. ارزش ها وهنجارها که مبنای قضاوت در مورد آنچه درست یا نادرست است می‌باشد مصنوعات که سطح ظاهری فرهنگ می باشند .(ادگار،۱۳۸۲).

فرهنگ از دیدگاه امام خمینی (ره) به مفهوم ملیت و هویت یک ملت تعریف شده است؛ «فرهنگ مبدأ خوشبختی و بدبختی ملت است اگر فرهنگ ناصالح باشد این جوان هایی که تربیت می‌شوند، به‌تربیت فرهنگ ناصالح)(خمینی، صحیفه نور،۱/ ۴۴۵).

از دیدگاه مقام معظم رهبری (مدظله العالی) «فرهنگ مجموعه‌ای سیاسی است که مستقیماً مربوط به انسان است . فرهنگ برآیند عادات واعتقاداتی است که به یک جامعه اختصاص پیدا می‌کند.بی تردید بخشی از این عادات واعتقادات جو ششی است که از نسل گذشته به نسل حاضر رسید و بخشی از آن کوششی است که ثمره نسل حاضر است. در واقع فرهنگ شناسنامه دسته‌جمعی یک ملت است هویت همگانی است که همگان باید پاسداری وحراست از آن بکوشند ودفاع کنند . (سازمان مدارک فرهنگ انقلاب اسلامی،۴).

از دیدگاه معظم‌له فرهنگ منشأ انقلاب‌اسلامی وتحول در سایر حوزه‌ها است که باید به‌وسیله مسئولین نظام و مدیران فرهنگی مورد توجه اکید واقع شود .

با بررسی تعاریف متعددی که از فرهنگ ارائه شده‌است می‌توان مشترکات ذیل را از آن‌ها استخراج نمود : ۱-عامل وحدت ونظم ۲-راهنما و دلالتگر۳-وجه تمایز جامعه۴- نظام ارزشی‌متعادل۵ - دانایی و شناخت و انتقال آن ۶- شناخت به‌اضافه‌ی تجربه و مهارت ۷- ملکه‌ی جمعی ۸- پرورش اندیشه ۹- ارزش ۱۰- ارزیابی ۱۱- هنر۱۲- رفتار

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-15]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1393.7.14.7.6]

بر خواسته از ضمیر نا خود آگاه ۱۳- رفتار سنتی ۱۴- سرسپردگی جمعی ۱۵-رفتار مکتسب ۱۶- رفتار تحمیلی اجتماع بر اعضا (نایینی، ۱۳۸۹).

مفهوم شناسی مدیریت

مدیریت معادل واژه انگلیسی managementبه مفهوم علم و هنر واداره کردن سازمان‌های‌اجتماعی به‌کار برده‌می‌شود .علم مدیریت در دنیای امروز به علت ثمرات ارزشمندی که به‌کارگیری صحیح آن برای سازمان‌های مختلف در پی‌داشته از رشد و توسعه چشم‌گیری برخوردار شده است. بسیاری از نظریه‌پردازان و دانشمندان،مدیریت را مهم ترین رکن تحول و پیشرفت اقتصادی ،فرهنگی ،سیاسی و... می دانند و برای رشد و توسعه آن سرمایه گذاری قابل توجهی می کنند.

در خصوص تعریف مدیریت همانند بسیاری از مفاهیم دیگر در حوزه علوم انسانی دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد، جرج موریس می‌گوید: «مدیریت را می‌توان علم و هنر متشکل و هماهنگ کردن، رهبری و کنترل فعالیت‌های دسته جمعی به منظور نیل به هدف‌های مطلوب با حداکثر کارایی تعریف‌کرد.» (نقل از الوانی ،۱۳۶۹).

هنری مینتز برگ معتقد است مدیریت شامل وظایف و نقش‌هایی چون رهبری سازمان، منبع اطلاعات و عامل تصمیم‌گیری و ایجاد رابطه با سایر سازمان‌ها است (حبیبی، ۲۷).

در مجموع دید گاه‌های مختلف در باب مفهوم مدیریت گویای این است که مدیریت ترکیبی از علم و هنر است و مرز میان این‌دو به این‌صورت تبیین می‌شود که برای اداره سازمان‌های اجتماعی و فرهنگیبایستی با اصول، تئوری ها و روش‌های علم مدیریت آشنا شد . و سپس در به‌کارگیری این علم بایستی از قابلیت فردی یا هنر اعمال مدیریت استفاده نمود .

اگر چه مدیریت در مفهوم کلی و عام آن به شکل ها وبا دیدگاههای متفاوتی تعریف شده اما تقریباً همه اندیشمندان اتفاق نظر دارند که مدیریت عامل رسیدن به اهداف سازمان است .

استونر مدیریت را فرآیند برنامه‌ریزی، سازماندهی، هدایت و کنترل کوشش‌های اعضای سازمان و سودجستن از تمام منابع سازمان برای دستیابی به اهداف معین سازمانی می‌داند (به نقل از نایینی، ۱۳۸۹).

مفهوم شناسی مدیریت فرهنگی

درعصر جدید مساله فرهنگ بسیار پیچیده‌تر از گذشته شده‌است . امروز به‌دلیل گسترش وسایل ارتباط‌جمعی که امکان تهاجم فرهنگی را به شدت و سرعت فراهم کرد. فرهنگ ها در هم تنیده شده و هر فرهنگی هم‌زمان در مکان‌های مختلفی حضور دارد ذوق‌های فرهنگی ،تحول و تغییرات فراوانی پیداکرده‌است و صنعت‌گرایی هم کمک کرده که این جریان فرهنگی به صورت گسترده ای در دنیا و به صورت متراکم و درهم توسعه پیدا کند . بنابراین مساله مدیریت فرهنگی نیز به همین نسبت پیچیده‌است .

مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) می‌فرمایند: «مدیریت فرهنگی به مفهوم وجود یک دستگاه متفکر،مدیر و مدبر است که قادر است فرهنگ یک کشور را قانونمند و ضابطه‌مند سازد بنابراین مدیریت‌فرهنگی در مقابل هرج و مرج فرهنگی قرار دارد و مرکز این مدیریت نیز شورای عالی انقلاب‌فرهنگی است.»

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-15]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1393.7.14.7.6]

جایگاه عقل در مدیریت فرهنگی از دیدگاه آیات و روایات

عقل که حکمی جاودانه فرازمان و فرامکان دارد در دین اسلام و فرهنگ اسلام جایگاهی والا دارد در بسیاری از آیات و روایات به تفصیل در مورد مقام عقل و حجیت برداشت های آن تأکید شده‌است ودر این آیات و روایات عقل به عنوان حجت الهی قلمداد شده‌است همان‌گونه که قبلاًبیان شده در قرآن کریم حدود پنجاه بار ماده عقل و واژه های مترادف آن استعمال شده‌است و در بیش از سیصدآیه از قرآن کریم خداوند متعال انسان را به استفاده از عقل، خرد و تامل و تفکر دعوت کرده‌است مثلاً در سوره بقره آیه ۴۴ خداوند متعال می‌فرمایند افلا تعقلون ... و فقهای امامیه نیز با عبارت های مختلف به تکریم عقل و جایگاه آن تأکید داشته‌اند و تأمل شده‌اند به‌اینکه ایمان بدون خردورزی امکان ندارد (حلی،۱۵۵).

امام موسی کاظم (ع) می‌فرماید: «خداوند برمردم دوحجت قرار داده‌است. حجت آشکار، حجت پنهان،حجت آشکار رسولان و پیشوایان دینی هستند و حجت پنهان عقل است.» (حرانی،۲۰۱). هم‌چنین گفته‌اند عقل‌ها، پیشوایان اندیشه‌ها به‌شمار می‌روند. از این‌گونه روایات که در مورد عقل واردشده بسیار است که ما به همین مقدار سنجیده می‌کنیم در برخی از ساحت‌های فرهنگ‌اسلامی گرایش به عقل حاکم است چون کتاب و سنت و اجتماع محدودیت دارندو نمی توانند جزئیات همه احکام را در طول زمان صادر کنند برداشت‌های عقلی در مدیریت اسلامی حجیت داشته چون به عنوان سازگاری برای توسعه فرهنگی دربرخورد با متون اسلامی یاری دهنده مخاطب متن هستند .

تکیه برعقل از همان ابتدای زمان نزول آیات و صدور روایات از ناحیه پیامبراکرم (ص) مورد توجه جدی واقع شد، چون با رواج بحث جعل حدیث توسط جاعلان و نسبت دادن آن به قرآن و پیامبر(ص) و ائمه معصومین (ع) فرآیند فهم نصوص با مشکلات جدی مواجه شد. در نتیجه برای اینکه وضعیت مشخص شود ناچار باید ملاکی وجود می داشت تا مراجعه کنندگان به آیات و روایاتی را از تحیر و سرگردانی خارج کرده تکلیف آنها را مشخص نمایدواین ملاک چیزی جز خرد و عقل نمی تواند باشد و هرچه از زمان صدر اسلام دورتر می شویم به دلایل مختلف از جمله پیشرفت علوم و...ضرورت بیش ازپیش رجوع به حکم عقل آشکار تر می شود . بنابراین با در نظر گرفتن چنین وضعیتی برای مدیریت صحیح فرهنگی یک مدیر فرهنگی لایق باید با به کار گیری هوشمندانه و دقیق عقل، برای مشکلات فرهنگی راه‌حل ارائه نماید.

وقتی از عقل به عنوان یکی ازادله استنباط احکام شرعی در عرض کتاب، سنت و اجماع صحبت می‌کنیم مقصود ما عقل به عنوان یک دلیل مستقل است نه اینکه مقصود ما عقل صرفاً ابزاری برای تفسیر و تبیین سنت و کتاب باشد. بنابراین عقل منبعی مستقل برای استنباط احکام شرعی است و ابزاری است که در تبیین سایر ادله استنباط و حل تعارض بین آنها مورد استفاده واقع می‌شود.

مرحوم مظفر می‌فرماید: «دلیل عقلی هر عقلی هر دلیلی است که موجب قطع به حکم شرعی شود و علت اعتبار عقل در چنین مواردی به خاطر این است که عقل موجب یقین و حصول قطع می‌شود یقینی که ذاتاً حجت است بنابراین شامل ظنون و گمان‌ها نمی‌شود» (مظفر،۴۷۷)شیخ مفید «علیه رحمه» حسن و قبح می‌فرماید: «حسن یعنی آن چیزی که با عقل سازگار باشد و قبیح یعنی چیزی که عقل با آن سازگار نباشد» (مفید ،۱۴۱۴)هم‌چنین مرحوم صدر

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-15]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1393.7.14.7.6]

می‌فرماید: «دلیل عقلی،قطعی است که بهما در رسیدن به حکم شرعی کمک می‌کند و حجت آن از باب حجیت قطع می‌باشد» (صدر،۲/ ۲۵۴) بنابراین عقل در فرهنگ و فقه اسلامی یک منبع مستقل است که علاوه براین‌که توان استباط احکام شرعی را دارا می‌باشد به عنوان ابزاری برای فهم و تبیین سایر ادله نیز مورد استفاده واقع می‌شود.

کاربردعقل عملی در مدیریت فرهنگی از دیدگاه قرآن

نکته دیگری که در این بحث حائز اهمیت است این است که علماو فلسفه عقل را به عقل نظری و عقل عملی تقسیم می کنند .

در قلمرو عقل عملی سه شاخه قرار می گیرد. سیاسیت مدن، تدبیر منزل و اخلاق. عقل عملی به تنظیم و بازنگری در کنش های اجتماعی و غیر اجتماعی آدمی می‌پردازد. رفتارهای اخلاقی و اعمال صالح که درآیات و روایات بر آن‌ها تأکید شده‌است در حوزه عقل عملی قرار می‌گیرد و فهم عقل‌نظری در مورد استخدام عقل عملی به‌کار می‌رود (جوادی‌آملی، ۱۵۴).

ارسطو اولین فیلسوفی است که به تقسیم دوگانه عقل پرداخته‌است. در باب تمییز عقل عملی از عقل نظری چند نظریه از سوی متفکران اسلامی مطرح شده‌است.

عقل نظری جنبه ادراکی دارد، اما عقل عملی، جنبه تحریکی دارد. عقل عملی، فاقد بعد ادراکی بوده و فقط عامل فعل است. ابن سینا نفس ناطقه انسان را دارای دو قوه می‌داند: یکی قوه‌ی عالمه و دیگری قوه‌ی عامله، و اگر هم به هر یک از این دو قوه عقل گفته می‌شود از باب اشتراک لفظی است، چرا که عقل به معنی ادراک است، در حالی که قوه عامله، مبدأ تحریک بدن انسان برای انجام کارهای جزئی است اختلاف این دو عقل مربوط به غایت آن‌هاست. عقل نظری به عالم اعلی نظر دارد چرا که علوم نظری را از عالم مافوق نفس دریافت می‌کند اما عقل عملی به تدبیر بدن توجه دارد. غایت حکمت نظری، کمال نفس از جهت علم و آگاهی است. اما غایت حکمت عملی کمال نفس از نقطه نظر عمل و نیل به مقام عدالت است(ابن سینا، ۳/ ۲۶۰).

آیت ا... مطهری آرای گوناگون ابن سینا را در آثار گوناگون وی به صورت ذیل در چند بخش جمع‌بندی می‌کند.

حکمت نظری محصول توجه عقل به جهان بالاتر است تا به صورت عقل بالفعل درآید و حکمت عملی محصول توجه عقل به تدبیر بدن است و غایت هر دو حکمت هم کمال نفس است غایت اولی کمال نفس فقط از جهت مطلق دانستن است، اما غایت حکمت عملی، کمال نفس از جهت دانستن برای خوب عمل‌کردن است.

آرا و عقاید در علوم عملی ابزار و وسیله برای عمل کردن است.

ماهیت عقل عملی، از نوع عقل نیست بلکه لفظ عقل بر آن اطلاق شده است اگر هم شیخ گفته که عقل عملی متوجه تدبیر بدن است، مرادش تدبیر زندگی بدنی است که فقط جنبه فردی و نفسانی ندارد بلکه متوجه زندگی اجتماعی هم هست. (مطهری،۷/ ۲۳۱ – ۲۳۲).

مدیریت فرهنگی چون با عمل و رفتار مردم پیوند دارد بنابراین این دانش بیش تر با عقل عملی ارتباط دارد . البته این که مباحث حوزه مدیریت فرهنگی غالبا با حوزه عقل عملی سرو کار دارند به این معنا نیست که عقل نظری در این رشته هیچ دخالتی نداشته باشد و مباحث آن عملی محض باشند بلکه تمام مباحث حوزه فرهنگ از طریق تبیینات عقل نظری به سرانجام می رسند . در واقع طبق دیدگاه برخی از فلاسفه عقل نظری و عملی اختلاف ماهوی ندارند و

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-15]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1393.7.14.7.6]

یک قوه اند فقط گاهی با بینش ها و آراء نظری مرتبط است و گاهی با کنش ها و رفتارها مرتبط است . اسلام نیز در همین حوزه به تحلیل امور فرهنگی جامعه می پردازد و استنباط های عقل عملی به تولید حکم شرعی در تدبیر مدن و زندگی سیاسی شیعه می پردازد. (فیرحی ، ۱۳۸۳) عقل عملی با تکیه بر ملازمه میان حکم عقل و شرع و بر عکس به تولید حکم شرعی در مدیریت جامعه و زندگی اجتماعی افراد می پردازد.

فهم خرد ورززانه در اندیشه دینی ، عقلانیتی جامع اندیش است که دغدغه دنیا و آخرت را با هم دارد و حکم میکند که انسان به سود دنیوی و مادی بسنده نکند و در حصار عقلانیت ابزاری که تنها ماده وروابط مادی انسان را می بیند باقی نماند. (نبوی، ۱۳۷۹). دانش مدیریت فرهنگی با استناد برعقل باید در جهت توسعه فرهنگی حرکت کند در واقع عقل عملی باید اجتهاد را به دانشی پویا و زمان آگاه تبدیل کند چون درک مقتضیات زمانی و مکانی هر حکم با در نظر گرفتن عقل و برداشت های عقلی امکان پذیر می نماید .

عوامل موفقیت مدیر فرهنگی

در ادامه چون توسعه فرهنگی وابسته به ویژگی‌های مدیران فرهنگی می‌باشد برخی از عوامل تأثیرگذار بر موفقیت مدیرفرهنگی را از دیدگاه قرآن بیان می کنیم.

موفقیت و یا شکست یک مدیر فرهنگی و برنامه‌ریزان تبلیغی در رسیدن به اهداف خود پنج عامل وابسته است:

انگیزه مدیر فرهنگی

محتوای کار فرهنگی

ویژگی‌های مدیر فرهنگی

ابزارهای فرهنگی

شیوه کار فرهنگی و ارسال

۱- انگیزه مدیر فرهنگی

بدون تردید، انگیزه قبل از هر چیز دیگر، ضامن موفقیت هر مدیر فرهنگی و برنامه‌های تبلیغی اوست، هر چه انگیزه قوی‌تر باشد، امید موفقیت بیشتر است، تأمل در متون دینی‌ای که در باره جایگاه تبلیغ و مدیر فرهنگی در اسلام سخن می گوید می‌تواند زمینه ساز تقویت انگیزه مدیران فرهنگی و تبلیغی باشد.

در این متون، ضرورت تبلیغ به عنوان یک تکلیف الهی و وظیفه دینی، اهمیت و آثار و برکات آن برای مدیر فرهنگی از یک سو و برای مردم از سوی دیگر، مورد تأکید قرار گرفته و فرهنگ به عنوان پایگاه احیای معنوی مردم و یاری رساندن به خدا معرفی شده است. (الانفال،۲۴؛ محمد،۷؛ الصف،۱۴).

هم‌چنین مبلغ و مدیر فرهنگی، نماینده خدا، نماینده رسول، نماینده کتاب خدا، حجت خدا به مردم معرفی شده است. (فصلت،۳۳؛ کلینی،۱/ ۴۰۳؛ صدوق،الخصال،۱۴۹/ ۱۸۲).

مدیر فرهنگی ترجمان حق، سفیر خالق و فراخواننده مردم به‌سوی خداست.(راوندی،۱۳۲/ ۱۶۶؛ الصدوق الامالی،۲۴۷/ ۲۶۶).

مدیر فرهنگی مجاهدی است که با سلاح سخن و قلم، به یاری خدا (یعنی دفاع از همه ارزش‌های انسانی و مبارزه و جهاد با همه زشتی‌ها و ناهنجاری‌ها) برمی‌خیزد و جامعه را به مقصد اعلای انسانی دعوت می کند (طوسی،۴۶/ ۵۴) و

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-15]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1393.7.14.7.6]

بدین سان یک مدیر فرهنگی، ارزشمندتر از هزاران عابد است، چرا که همت عابد، در جهت نجات خویش است و همت مدیر فرهنگی و مبلغ در جهت نجات مردم و خدمت به خلق و از این رو، در قیامت به عابد گفته می‌شود: «انطَلِق الی الجَنّه : بسوی بهشت برو»

اما به مدیر فرهنگی و مبلغ گفته می‌شود: « قِف! تَشفَع النّاس بِحسنِ تأدیبک لَهم» (صدوق، علل الشرایع ۱۱/ ۳۹۴ ؛ صفّار،۷/ ۷).

درنگ کن! و پاداش آن که مردم را نیکو تربیت کردی، آنها را شفاعت کن!

این فضایل، برای همه مدیران فرهنگی و مبلغان واجد شرایط است، اما کسانی که خلاقیت و ابتکار بیشتری دارند، از کمالات برتری برخوردارند و اگر به بلاد کفر و شرک سفر کنند و آن جا جان بدهند به سان ابراهیم خلیل(ع) در قیامت به صورت یک دست محشور می گردد.(طوسی،۴۶/ ۵۴).

البته این جایگاه رفیع و مدیر فرهنگی مسئولیت بسیار سنگینی بدوش آنان می گذارد. و باید با آگاهی کامل و تدبیر و عقل وارد این عرصه شود.

۲- محتوی کار فرهنگی

محتوی بسته‌های فرهنگی و کار تبلیغی، یکی دیگر از ارکان موفقیت آن است و هر چه محتوی با موازین عقلی سازگارتر و پیام مبلغ از غنای فرهنگی بیشتری برخوردار باشد میزان موفقیت و تأثیر گذاری در مردم افزایش می‌یابد خصوصاً در دانشگاهها که مخاطب خاص دارد باید در نقاط مشترک دانشجو، استاد و کارمند کارکرد و بسته‌های فرهنگی خاصی باید برای آنان تجویز کرد.

۳- ویژگی‌های مدیر فرهنگی

سومین رکن موفقیت، ویژگی‌های شخصی مدیر فرهنگی است. در صورتی می‌تواند در جایگاه واقعی خود، تداوم بخش راه انبیاء الهی باشد و از ارزشهای دینی دفاع کنند که از نظر علمی، اخلاقی و عملی، واجد ویژگی‌هایی باشد که اسلام برای دعوت کنندگان مردم به خدا و ارزش‌های انسانی و اسلامی ضروری می‌داند. خلاصه این ویژگی‌ها ۱- دین شناسی باشد ۲- مردم شناس باشد۳ - مخاطب شناس باشد. خردورزی و عقل را سرلوحه کارفرهنگی خصوصاً در محیط دانشگاهی قراردهد.

۴- ابزارهای فرهنگی

یک مدیر فرهنگی، علاوه بر داشتن انگیزه‌ی قوی و پیام فرهنگی غنی و ویژگی‌های شخصی لازم برای موفقیت نیاز به ابزار دارد. سخن مهم‌ترین ابزار به مفهوم عام آن، تنها ابزار در در طول تاریخ است که در قالب‌های موعظه، خطابه، مناظره، نشر و نظم به اندیشه و دل مردم منتقل می کند.

جالب است که در روایات اسلامی نوشتار نیز از مصادیق سخن شمرده شده و خط را(زبان دست) خوانده‌اند. و براین اساس وسایل اطلاع رسانی جدید مانند سینما، تئاتر، اینترنت، ماهواره و . . . از اشکال گوناگون سخن محسوب می‌شوند.لذا باید از ابزارهای جدید انتقال که سهم جدی در انتقال دارند استفاده کافی برد.

۴- شیوه کار فرهنگی

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-15]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1393.7.14.7.6]

پنجمین رکن موفقیت یک مدیر فرهنگی، شیوه‌ی کار فرهنگی است، تبلیغ هنر بزرگی است و مبلغکامل، هنرمندی بزرگ. مدیر فرهنگی علاوه بر عوامل چهارگانه باید از هنرمندی خاص برخوردار باشد، بکارگیری شیوه‌های مؤثر و جدید دنیای مدرن و اجتناب از شیوه‌های تکراری و ملال آور و نادرست.

مهمترین نکته این که کارایی سخن و همه ابزارهای جدید در مقابل کارایی عمل و اخلاق و اخلاص بسیار ناچیز است. لذا مدیر فرهنگی باید آراسته به علم و عمل و اخلاص و زینت ظاهری باشد.

نتایج مقاله

عقلانیت ملاک های اصلی در مدیریت فرهنگی کشور است. البته مقصود از عقل ،عقلی است که برهان یابند و با مبادی و مبانی آن وجود خداوند و ضرورت نیاز به پیامبرو وحی ثابت شود ،حکم این عقل در حوزه های مختلف از جمله حوزه دانش) مدیریت فرهنگی حجت شرعی است . همانگونه که آیت ا... جوادی آملی در این خصوص می فرماید حکم فقهی ،اخلاقی و حقوقی این عقل ،حجت شرعی است ،شرایط حجیت عقل را منطق به عهده دارد زیرا درمنطق از برهان یقین آور و تمایز آن از تمثیل منطقی که همان قیاس فقهی است و از استقرای ناقص کاملا بحث شده است (جوادی‌آملی، ۱۰۱). عقل ابزاری که صرفاً دنیوی و مادی به زندگی و پدیده های آن نگاه می کند جایی در فرهنگ اسلام ندارد . مدیریت در اسلام فقط با نگاه به آخرت است . همچنین براساس فرهنگ اسلامی که انسان را موجودی دارای قدرت استنباط و عاقل می داند و با تکیه براجتهاد می توان با قرار دادن دلایل مختلف درکنار یکدیگر به استنباط احکام) در حوزه های مختلف دست زده این امر سازو کاری اساسی را در فرهنگ اسلامی بوجود آورد تا مدیر فرهنگی در شرایط گوناگون فرهنگی و اجتماعی بتواند احکام عقلانی را صادر نموده و فرصت پیدا کند تا با رویکردی فعال و نقادانه نظریه پردازی کند.و راهکارهای برون رفت از آسیب ها و مسائل فرهنگی و اجتماعی را با توجه به شکل جنگ نرم در عصر حاضر از مسیر آیات و روایات با استفاده از ظرفیت عقل عملی استخراج نماید و موجبات توسعه فرهنگی را فراهم آورد مهمترین عواملی که مدیر فرهنگی را در نیل به این هدف یاری می کنند عبارتند از : انگیزه ، محتوای کار فرهنگی ، ویژگی‌های شخصیتی، ابزار و شیوه کار مدیر فرهنگی.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-15]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1393.7.14.7.6]

قرآن کریم
۱- ابن فارس، ابوالحسن، ۱۴۰۴ق.
۲- ابن منظور، محمد بن مکرم ، لسان العرب، بیروت: ۱۴۱۴ ق.
۳- ابو زهو، محمد، تاریخ فرق الاسلامیه، بیروت: دارالفکر عربی ،۱۹۷۱م.
۴- ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغه، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۰۴ق.
۵- ادگار، شاین، مدیریت فرهنگ سازمانی و رهبری، ترجمه برزو فرهی بوزنجانی، شمس الدین نوری نجفی، تهران: سیمای جوان، ۱۳۸۲ش.
۶- تایلور، ادوارد بی، فرهنگ ابتدایی، ۱۸۷۱م.
۷- جعفری، علامه محمد تقی، فرهنگ پیشرو،، مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری،۱۳۷۹ش.
۸- جوهری، اسماعیل بن جماد، الصحاح تاج اللغه و صحاح العربیه، چاپ چهارم، دارالعلم للملایین، ۱۹۹۰م.
۹- چلپی، مسعود، برنامه ریزی فرهنگی عامل تغییر یا ثبات، فصلنامه فرهنگ عمومی، شماره ۱۸،۱۹ ، ۱۳۷۸ش.
۱۰- حبیبی، خصایص مدیران فرهنگی، تهران: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی بیان۲۸، ۱۳۷۹ش.
۱۱- حرانی، ابومحمد حسن، تحف العقول، تهران: کتاب فروشی اسلامیه، بی‌تا.
۱۲- حلی، مناهج الیقین فی اصول الدین، تحقیق: محمد رضا انصاری، بی‌جا، ۱۳۷۴ش.
دهخدا، علی‌اکبر،لغت نامه.
۱۳- راوندی، فضل الله بن علی ، النوادر، تحقیق: سعیدرضا علی عسکری، الطبعه الاولی، قم: مؤسسه دار الحدیث، ۱۳۷۷ ش.
۱۴- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ قرآن، بی تا.
۱۵- سازمان مدارک فرهنگ انقلاب اسلامی، فرهنگ و تهاجم فرهنگی، ۱۳۷۰ش.
۱۶- صدوق، ابو جعفر محمد بن علی، علل شرایع، الطبعه الاولی، بیروت: دارالحیاء التراث ، ۱۴۰۸ ق.
۱۷- صدوق، محمدبن علی ، الامالی، الطبعه الاولی، قم: تحقیق و نشر: مؤسسه البعثه، ۱۴۰۷ق.
۱۸- طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن ، الامالی، الطبعه الاولی،قم: تحقیق: مؤسسه البعثه، دار الدقافه، ۱۴۱۴ق.
۱۹- فراهیدی، خلیل ابن احمد، ترتیب کتاب العین، مدرسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۴ ق.
۲۰- خمینی(ره)، روح ا...، جلد اول، صحیفه نور.
۲۱- مفید، محمد بن نعمان، تصحیح الاعتقادات الامامیه، چاپ دوم، بیروت: دارالمفید، ۱۴۱۵م.
۲۲- کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب ، الکافی، الطبعه الرابعه، تحقیق: علی اکبر الغفاری، بیروت: دار صعب و دارالتعارف ، ۱۴۰۱ ق.
۲۳- کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، جلد اول.
۲۴- مطهری، مرتضی، نظام حقوق زن در اسلام، چاپ هفتم، قم: انتشارات صدرا، ۱۳۷۸ش.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-15]
[DOR: 20.1001.1.20080417.1393.7.14.7.6]

۲۵- نایینی، علی‌محمد، درآمدی بر مدیریت فرهنگی، نشر ساقی، مؤسسه علمی و فرهنگی علامه عسگری،۱۳۸۹ش.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-15]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1393.7.14.7.6]